

لیست کلمات مشابه انگلیسی

زبان انگلیسی دربردارنده بسیاری از لغات و اصطلاحات گیج‌کننده است که یکی از دلایل اصلی این گیج‌کنندگی، وجود **کلمات مشابه انگلیسی** است. منظور از این کلمات گیج‌کننده و مشابه، کلماتی است که در هنگام شنیدن، نوشتن و یا حتی صحبت کردن ممکن است مخاطب یا شنونده در درک و فهم آن دچار مشکل و سردرگمی شود.

به ("Weak" به معنی هفته) استفاده کنید ؛ اما شنونده بجای آن واژه‌ی ("Week" به‌عنوان مثال فرض کنید که می‌خواهید در گفتار از کلمه معنی ضعیف) را استنباط می‌کند، زیرا تلفظ این دو کلمه شبیه به هم است. درواقع کلماتی از این قبیل که باعث سردرگمی زیادی می‌شوند، در زبان انگلیسی به‌وفور یافت می‌شود. بنابراین باید برای درک و یادگیری این واژگان وقت صرف کرد.

در این مطلب قصد بر آن است که به معرفی سه دسته از کلمات مشابه و گیج‌کننده انگلیسی پرداخته شود؛ ضمن اینکه لیستی از واژگان جامع و مهم از این سه گروه کلمات ارائه شود تا با این کلمات تاحد زیادی آشنا شوید.



SAME SAME
BUT DIFFERENT

افراد انگلیسی زبان یا افرادی که در حال یادگیری زبان انگلیسی هستند، همواره در موقعیت‌هایی قرار گرفته‌اند که دو کلمه را که تلفظ یا املاي مشابهی دارند، ولی در معنا متفاوت هستند را به اشتباه استفاده کرده‌اند یا حتی اشتباه متوجه شده‌اند.

درواقع باید عنوان کرد که واژه‌ها در زبان انگلیسی دارای جنبه‌ها و دیدگاه‌های زیادی هستند که در بعضی مواقع به عنوان مشکل یا آزاردهنده بیان می‌شوند که تشخیص و استفاده درست از این کلمات مستلزم تلاش و یادگیری هوشمندانه است. از این رو؛ متداول‌ترین واژه‌های انگلیسی که اشتباه گرفته می‌شوند و گاهی مورد استفاده نادرست قرار می‌گیرند را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم‌بندی کرد. این سه دسته عبارتند از:

- Homonyms (هومونیم‌ها یا هم‌نام‌ها)
- Homophones (هوموفون‌ها یا هم‌آوا یا هم‌خوان‌ها)
- Homographs (هوموگراف‌ها یا هم‌املا‌ها)

هومونیم‌ها یا هم‌نام‌ها: Homonyms دسته اول

کلماتی هستند که آوا یا به‌عبارتی تلفظ و املاي مشابه و یکسانی دارند؛ اما از نظر معنی کاملاً با یکدیگر متفاوت هستند. Homonyms هم‌نام یا به معنی “نام” گرفته شده است. این گروه از کلمات مشابه Nym- به معنی “هم یا همان” و پسوند -Homo از پیشوند Homonym واژه انگلیسی در اکثر اوقات می‌تواند گیج‌کننده باشد، به‌خصوص برای افرادی که در حال یادگیری زبان انگلیسی و املاي لغات هستند. به‌عنوان مثال دارای دو معنی کاملاً متفاوت است. یکی به معنی پارک و گردش و دیگری به معنی پارک کردن ماشین. همان‌طور که مشاهده Park واژه‌ی می‌شود این واژه از تلفظ و املاي یکسانی برخوردار است ولی دارای دو معنی متفاوت است



Homonym لیست کلمات مشابه انگلیسی هم‌نام یا

در ادامه لیستی از کامل‌ترین و مهم‌ترین واژه‌های هم‌نام انگلیسی گردآوری شده است

Address: آدرس، نشانی/ خطاب، مخاطب	Band: گروه موسیقی/ نوار یاروبان	Arm: بازو/ مجهز کردن
Band: گروه موسیقی/ نوار یاروبان	Bat: خفاش/ چوب یا چوگان	Blue: آبی/ مستعد افسردگی
Bright: روشن/ زرنگ و باهوش	Circular: مدور/ بخشنامه	Clip: گیره/ کلیپ
Cool: خنک، سرد/ آرام کردن	Date: خرما/ تاریخ/ قرار ملاقات	Die: مردن/ مهره، جفت طاس
Drop: افتادن، ریختن/ قطره	Fair: منصفانه/ زیبا	Fall: افتادن، سرازیر شدن/ پاییز
File: پرونده/ بایگانی‌کردن	Foot: پا/ پرداختن مخارج	Jam: مربا/ متراکم و شلوغ کردن
Kind: نوع/ مهربان	Letter: نامه/ حرف	Lie: دروغ، دروغ گفتن/ دراز کشیدن، خوابیدن
Light: سبک/ نور و چراغ	Mean: معنی داشتن، منظور داشتن/ اعتدال، وسطی	Nail: میخ/ ناخن
Park: پارک/ پارک کردن ماشین	Point: جهت، اشاره/ نکته، موضوع	Pole: تیر چراغ برق/ قطب
Pool: استخر/ شریک شدن	Quarry: صید/ آشکار/ معدن سنگ	Ream: برای آبیگری مرکبات/ یک مجموعه کاغذ
Right: حق، درستی/ سمت راست	Rock: گروه موسیقی/ سنگ، صخره	Rose: به معنی افزایش یافت/ گل رز
Ruler: خطکش/ عادل	Scale: مقیاس/ عبور کردن، پیمودن	Seal: فک/ مهر و موم کردن
Ship: کشتی / فرستادن	Spring: کمک کردن/ بهار	Stalk: ساقه/ کمین کردن
Tender: مناقصه، پیشنهاد/ لطیف، باریک	Tire: خسته شدن/ لاستیک ماشین	Trip: سفر/ سکندری خوردن
Watch: تماشا کردن/ ساعت	Well: خوب/ چاه	Remote: از راه دور، دوردست/ کم و جزئی

B

Band: گروه موسیقی/ نوار یاروبان

Bark: پارس سگ/ پوست درخت

Bat: خفاش/ چوب یا چوگان

Blue: آبی/ مستعد افسردگی

Bright: روشن/ زرنگ و باهوش

C

Can: قوطی/ توانستن

Circular: مدور/ بخشنامه

Clip: گیره/ کلیپ

Cool: خنک، سرد/ آرام کردن

Current: رایج/ جریان آب

D

Date: خرما/ تاریخ/ قرار ملاقات

Die: مردن/ مهره، جفت طاس

Drop: افتادن، ریختن/ قطره

Duck: اردک/ غوطه‌ور شدن، زیر آب رفتن

F

Fair: منصفانه/ زیبا

Fall: افتادن، سرازیر شدن/ پاییز

File: پرونده/ بایگانی کردن

Fly: مگس/ پرواز، پرواز کردن

Foot: پا/ پرداختن مخارج

J

Jam: مربا/ متراکم و شلوغ کردن

K

Kind: نوع/ مهربان

L

Left: ترک کردن، عازم شدن/ سمت چپ

Letter: نامه/ حرف

Lie: دروغ، دروغ گفتن/ دراز کشیدن، خوابیدن

Light: سبک/ نور و چراغ

M

Match: همخوانی داشتن، تطبیق / کبریت

Mean: معنی داشتن، منظور داشتن/ اعتدال، وسطی

N

Nail: میخ/ ناخن

P

Park: پارک/ پارک کردن ماشین

Palm: نخل/ کف دست

Point: جهت، اشاره/نکته، موضوع

Pole: تیر چراغ برق/ قطب

Pool: استخر/ شریک شدن

Pound: مشت زدن، زدن/ واحد وزن

Q

Quarry: صید/ آشکار/ معدن سنگ

R

Ream: برای آبیگری مرکبات/ یک مجموعه کاغذ

Remote: از راه دور، دوردست/ کم و جزئی

Right: حق، درستی/ سمت راست

Ring: انگشتر/ حلقه، حلقه زدن

Rock: گروه موسیقی/ سنگ، صخره

Rise: گذشته فعل **Rose:** به معنی افزایش یافت/ گل رز

Ruler: خطکش/ عادل

S

Saw: اره/ گذشته فعل **see** به معنی دیدن

Scale: مقیاس/ عبور کردن، پیمودن

Seal: فُک/ مهر و موم کردن

Ship: کشتی / فرستادن

Sink: سینک آشپزخانه/ غرق شدن

Spring: کمک کردن/ بهار

Stalk: ساقه/ کمین کردن

T

Tender: مناقصه، پیشنهاد/ لطیف، باریک

Tie: کراوات/ بستن، گره زدن

Tire: خسته شدن/ لاستیک ماشین

Trip: سفر/ سکندری خوردن

W

Watch: تماشا کردن/ ساعت

Wave: موج دریا/ دست تکان دادن

Well: خوب/ چاه

Homophone

↕
Same

↕
Sound

(هوموفون‌ها یا هم‌آوا یا هم‌خوان‌ها) Homophones: دسته دوم

دسته دیگری از کلمات مشابه انگلیسی هستند که صدا و تلفظ کاملاً یکسانی دارند؛ اما از املا و معنی متفاوتی Homophones هم‌آوا یا به معنی “صدا” گرفته شده است phone به معنی “همان” واژه Homos از از کلمه یونانی Homophones برخوردار هستند. واژه

همچنین مطالعه کنید زمان ها در زبان انگلیسی

این واژه‌ها علی‌رغم اینکه شکل نوشتاری یکسانی ندارند، وقتی در صحبت کردن و گفتار روزمره آن‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ به علت اینکه کاملاً مشابه هم گفته می‌شوند باعث گیج شدن و سردرگمی زیادی در افراد می‌شوند.

را در نظر بگیرید، همان‌طور که مشاهده می‌کنید این دو لغت از منظر نوشتاری و معنایی (واژه اول به “Sea” و “See” به‌طور مثال دو واژه معنای دیدن و دومی یعنی دریا) باهم فرق داند، اما تلفظ این دو دقیقاً مشابه هم است.

Homophone لیست کلمات مشابه انگلیسی هم‌آوا یا

در اینجا کلماتی که تحت عنوان هم‌آوا شناخته می‌شوند (صداها یکسان و مشابهی دارند) به‌طور مفصل لیست شده‌اند.

(A)

تبلیغ: Ad:

/

اضافه کردن: Add:

مجاز: Allowed:

/

با صدای بلند: Aloud:

Altar: محراب / **Alter:** تغییر دادن، عوض کردن

Ant: مورچه / **Aunt:** عمه

(B)

Bare: برهنه / **Bear:** خرس

Bean: لوبیا / **Been:** بوده است

Be: to be / فعل **Bee:** زنبور

Break: شکستن / **Brake:** توقف کردن/ کم کردن سرعت

Bored: بی‌حوصله / **Board:** تخته

(C)

Coarse: نامطبوع / **Course:** دوره

Conscious: هشیار / **Conscience:** وجدان

Council: شورا / **Counsel:** مشورت، توصیه کردن

Currant: کشمش، مویز / **Current:** درحال حاضر

(D)

Device: وسیله / **Devise:** اختراع کردن

Die: مردن / **Dye:** رنگ کردن

Dual: دوتایی، همزاد / **Duel:** جنگ تن‌به‌تن

(E)

Eight: هشت / **Ate:** گذشته فعل eat به معنی خوردن

Embrace: در آغوش گرفتن، پذیرفتن / **Embarrass:** شرمسار شدن، خجالت

Emigrate: مهاجرت کردن / **Immigrate:** به کشوری وارد شدن، وطن اختیار کردن

Eye: چشم / **I:** من

(F)

Flea: کک / **Flee:** فرار کردن

For: برای / **Four:** چهار

Fort: قلعه / **Fought:** جنگید

Foul: غلط، خطا / **Fowl:** مرغک

(G)

Great: عالی / **Grate:** رنده کردن

Groan: ناله / **Grown:** بزرگ شده

(H)

Hear: شنیدن / **Here:** اینجا

Hi: سلام / **High:** بالا

Hole: سوراخ / **Whole:** کل

Hour: ساعت / **Our:** ما

Holy: مقدس / **Wholly:** به طور کامل

(I)

Idol: بت / **Idle:** بیکار

Incite: تحریک / **Insight:** بینش

(K)

Knew: گذشته فعل / know به معنی دانستن **New:** جدید

Knead: ورز دادن / **Need:** نیاز داشتن

Knight: شوالیه / **Night:** شب

Knot: گره / **Not:** نه

Know: / دانستن/ دانش **No:** نه

(L)

Leak: نشت / **Leek:** تره فرنگی

Lessen: کاهش دادن /

lightening: روشن کردن /

Links: پیوندها /

Lung: ریه یا شش /

(M)

Made: ساخته شده /

Mail: پست /

Mask: ماسک /

Meet: ملاقات کردن /

Mourning: عزاداری /

Muscle: ماهیچه /

(N)

None: هیچ /

(P)

Pail: سطل /

Pain: درد /

Peace: صلح /

Peak: قله /

Pear: گلابی /

Plain: جلگه /

Pour: ریختن /

Pray: دعا کردن /

Precede: /مقدم بودن، جلوتر بودن از

Price: قیمت /

Lesson: درس

lightning: رعدوبرق

Lynx: سیاهگوش

Lounge: لم دادن

Maid: خدمتکار

Male: مرد

Masque: بالماسکه

Meat: گوشت

Morning: صبح

Mussel: صدف

Nun: راهبه

Pale: رنگ پریده

Pane: قطعه

Piece: تکه

Peek: زیر چشمی نگاه کردن

Pair: جفت

Plane: هواپیما

Poor: فقیر

Prey: شکار یا صید

Proceed: اقدام کردن، پیش رفتن

Prize: جایزه، پاداش

Principal: مدیر مدرسه /**Principle:** اساسی و مهم**(R)****Rain:** باران /**Reign:** سلطنت**Recent:** اخیرا /**Resent:** رنجیدن، خشمگین شدن**Red:** قرمز /**Read:** گذشته و قسمت سوم فعل read**Right:** درست حق، /**Write:** نوشتن**Ring:** حلقه /**Wring:** پیچیدن**Role:** نقش /**Roll:** چرخش**(S)****Sail:** بادبان /**Sale:** فروش، حراج**Sauce:** سس /**Source:** منبع**Sea:** دریا /**See:** دیدن**Seat:** / **Sit:** نشستن جای برای نشستن**Seek:** جستجو کردن /**Sick:** بیمار**Seen:** دیده شده /**Scene:** صحنه**Shoe:** کفش /**Shoo:** کیش کیش کردن**Slander:** تهمت زدن/ افترا زدن /**Slender:** باریک، ضعیف**Slay:** قتل /**Sleigh:** سورتمه**Soar:** ترش /**Sore:** اوج گرفتن**Sole:** تنها /**Soul:** روح**Some:** مقداری /**Sum:** مجموع**Son:** پسر /**Sun:** خورشید**Sort:** نوع /**Sought:** مطلوب**Stare:** / خیره شدن**Stair:** پله

Stationary: ثابت کردن /**Stationery:** لوازم تحریر**Steel:** فولاد /**Steal:** دزدیدن**Stile:** سنگچین /**Style:** سبک**(T)****Tail:** دم /**Tale:** داستان**Than:** از /**Then:** سپس**Thrust:** چپاندن، پرتاب کردن /**Trust:** اعتماد**Toe:** انگشت پا /**Tow:** یدک کش**Too:** همچنین /**Two:** دو**(V)****Vain:** بیهوده /**Vein:** رگ**Vary:** متنوع /**Very:** خیلی**(W)****Wail:** ناله /**Whale:** نهنگ**Waist:** کمر /**Waste:** ضایعات**Weak:** ضعیف /**Week:** هفته**Wear:** پوشیدن /**Where:** کجا**Weather:** آب و هوا /**Whether:** چه**Which:** / کدام**Witch:** جادوگر**Who's:** چه کسی /**Whose:** چه کسی**Won:** / برنده شد**One:** یک**Would:** فعل مدال /**Wood:** چوب**(Y)**

You're: تو هستی /

Your: تو

Homographs



bass



bass

(هوموگراف‌ها یا هم‌املاها) Homographs: دسته سوم

به معنی “نوشتن” گرفته شده است. بنابراین می‌توان اذعان داشت grapho به معنی “همان” و Homos از کلمه یونانی Homographs لغت که این دسته از کلمات مشابه انگلیسی، کلماتی هستند که یکسان نوشته می‌شوند؛ اما معنی متفاوتی دارند و ضمن اینکه گاهی در نحوه بیان، متفاوت تلفظ می‌شوند. درواقع تشخیص این دسته از واژه‌ها در زبان انگلیسی نوشتاری بسیار دشوار است.

را در نظر بگیرید، این واژه دارای دو معنی متفاوت است، یکی به معنای خرس و دیگری به معنی تحمل کردن یا “Bear”، به‌عنوان مثال کلمه تحمل کردن، ضمن اینکه این دو واژه تا حد زیادی از لحاظ تلفظ باهم فرق دارند.

Homograph لیست کلمات مشابه انگلیسی هم‌املا یا

در این بخش لیستی از این کلمات هم‌املا ارائه می‌شود که در ادامه مشاهده خواهید کرد.

(A)

Agape: متعجب با دهن باز / عشق الهی

Angle: فرشته/ زاویه یا گوشه

Attribute: سهم شدن، حمل کردن/ صفت، ویژگی

Axes: تیرها/ محورها

(B)

Bass: نوعی ماهی/ نوعی گیتار یا ساز/ صدا یا لحن بم

Bow: تعظیم کردن/ پاییون/ کمان/ جلوی قایق

Buffet: ضربه زدن/ بوفه

Bustier: به معنای بیچاره‌تر، ورشکسته‌تر busy یک لغت فرانسوی به معنای نیم‌تنه/ صفت برتر

(C)

Content: محتوا/ خشنود و شاد

Contract: قرارداد/ مبتلا شدن، گرفتن

Compact: کوچک/ متراکم کردن/ جمع و جور

Compound: ترکیب/ مجتمع/ تشدید کردن

Coordinates: هماهنگ کردن/ مختصات

(D)

Desert: ترک کردن/ صحرا و بیابان

Digest: خلاصه/ هضم کردن

Discount: نادیده گرفتن/ تخفیف

Does: تعداد بیشتر از یک آهو/ حالت سوم شخص مفرد فعل do

(E)

Entrance: ورودی/ جادو کردن

Evening: بعدازظهر/ یکنواخت و یکسان‌تر کردن

(F)**Frequent:** مکرر/ رفت و آمد زیاد داشتن**(I)****Incense:** بخور/ عصبانی کردن**(L)****Lead:** رهبری کردن/ سرب/ افسار برای سگ**(M)****Minute:** یک دقیقه/ کوچک**(N)****Number:** عدد/ شمارگذاری کردن/ بی‌حسی زیاد**(O)****Object:** شی/ مفعول/ اعتراض و مخالفت کردن**(P)****Proceeds:** درآمد حاصل/ بیشتر شدن**Produce:** تولید کردن/ محصول یا سبزیجات تازه**Putting:** (Put به سوراخ زدن آرام توپ گلف به سوراخ)**Project:** پروژه/ پرتاب کردن به جلو/ پخش کردن نور برای ایجاد سایه**(R)****Refuse:** خودداری کردن/ زباله**(S)****Second:** ثانیه/ دوم**Subject:** تابع یا تحت کنترل/ در معرض قرار دادن/ موضوع/ فاعل**(T)****Tear:** پاره کردن/ اشک

(W)

Wind: باد/ حلقه کردن**Wound:** گذشته فعل حلقه کردن/ زخم

نکته 1: از تعاریف گفته شده در مورد این سه گروه از **کلمات مشابه انگلیسی**، می‌توان به این نکته اشاره کرد که هوموفون‌ها و هوموگراف‌ها هر دو نوعی هم‌نام هستند. به عبارتی هوموفون‌ها و هوموگراف‌ها زیرمجموعه‌ی همونیم‌ها هستند و همونیم یا هم‌نام‌ها بخش مرکزی هستند که یک طرف آن را هوموفون‌ها یا هم‌آواها احاطه کرده‌اند و در یک طرف دیگر هوموگراف‌ها یا هم‌املاها قرار گرفته‌اند و با آن همپوشانی دارند.

نکته 2: برای اینکه بتوان به راحتی این سه گروه از کلمات را تشخیص داد و آن‌ها را به‌طور جداگانه یادآوری کرد و در گروه مورد نظر گرفته شده که به معنی صدا است، پس این phonos تقسیم‌بندی کرد، این است که ریشه‌شناسی آن‌ها را در نظر گرفت. مثلاً هوموفون از ریشه به معنی نوشتن گرفته شده پس از لحاظ نوشتاری یکسان graphein دسته دارای صدای یکسان و معنی و املائی متفاوت هستند. هوموگراف از گرفته شده به معنی نام که دارای املا و تلفظ یکسانی هستند، اما onyma هستند و معنا و تلفظ مشابهی ندارند. در نهایت همونیم از واژه یونانی در معنی متفاوت می‌باشند.

لیست کلمات گیج‌کننده انگلیسی

یکسری از **کلمات مشابه انگلیسی** هستند که در سه دسته گفته شده قرار نمی‌گیرند؛ اما جزو کلمات گیج‌کننده‌ای محسوب می‌شوند که برای افرادی که قصد یادگیری زبان انگلیسی دارند یا برای آزمون‌های مختلف زبان انگلیسی آماده می‌شوند در زمره واژه‌ها و کلمات گیج‌کننده و سخت قرار می‌گیرند.

بنابراین در این مطلب سعی شده است که لیستی از لغات مشابه و گیج‌کننده انگلیسی چه از لحاظ تلفظ و چه از لحاظ نوشتار معرفی شود.

Adapt : وفق دادن یا عادت کردن**Adept:** ماهر**Adopt:** به فرزندی پذیرفتن

Accept: پذیرفتن**Aspect:** جنبه**Except:** بجز**Expect:** انتظار داشتن**Inspect:** جست و جو کردن**Suspect:** مضمون بودن**Respect:** احترام گذاشتن

Affect: اثر کردن**Effect:** اثر، نتیجه

Assist: همکاری کردن

Consist: شامل شدن

Insist: اصرار کردن

Resist: مقاومت کردن

Persist: پافشاری کردن

Beard: ریش

Bread: نان

Bored: خسته

Board: تخته، صعود کردن

Broad: وسیع

Abroad: خارج

Breed: پرورش دادن

Better : بهتر

Batter : خرد کردن

Bitter : تلخ

Bottle : بطری

Battle : جنگ

Butter : کره

Coarse: نامطبوع

Course: دوره آموزشی

Curse: دشنام

College : دانشگاه

Colleague : همکار

Comply: موافقت کردن

Compliant: موافق

Complain: شکایت کردن

Complaint: شکایت

Comprehensive: جامع

Comprehensible: قابل درک

Desert: بیابان

Dessert: دسر

Disguise: تغییر قیافه دادن، پنهان کردن

Disgust: نفرت، متنفر کردن

Eliminate: حذف کردن

Illuminate: روشن کردن

Flaunt: به رخ کشیدن

Flout: بی احترامی کردن

Flat: صاف و مسطح

Formally: رسماً

Formerly: سابق

Fur: جامه خزدار، پوستین

Furry: خزدار

Fury: خشم

Ferry: گذرگاه

Fairy: پری

Generous: سخاوتمند

Genius: نابغه

Genuine: اصلی، خالص

Gorgeous: زیبا

Glimpse: نگاه اجمالی و سریع

Glance: نگاه، برانداز کردن

Host = میزبان

Hostel = خوابگاه

Hostility = خصومت

Hospitality = مهمان نوازی

Infer = نتیجه گیری کردن

Offer = پیشنهاد کردن

Confer = تجمع کردن

Transfer = انتقال دادن

Prefer = ترجیح دادن

Suffer = آزار رساندن

Inflammation: التهاب، سوزش

Inflation: تورم

Inhabit: ساکن شدن

Inhibit: منع کردن

Inverse: معکوس

Converse: گفتگو کردن

Reverse: معکوس کردن

Diverse: تفاوت داشتن، دگرگون کردن

Adverse: مغایر، ناسازگار

Later: بعدا

Latter: دومی

Letter: نامه

Litter: زباله

Leather: چرم

loose: شل

lose: از دست دادن

Natural: طبیعی

Neutral: خنثی یا بی طرف

Notorious: بدنام، رسوا

Nutritious: مغذی

Paper: کاغذ

Pepper: فلفل

Participation: مشارکت

Precipitation: ته‌نشینی، بارندگی

Plan: نقشه، برنامه

Plane: هواپیما

Quite : كاملا

Quiet : ساكت و آرام

Quit : ترك كردن

Quote: نقل قول

Recent: اخيراً

Resent: خشمگين شدن، رنجيدن

Refer: اشاره كردن

Differ: تفاوت داشتن

Reject: رد كردن

Inject: تزريق كردن

Deject: دل شكستن

Eject: پرتاب كردن_بيرون راندن

Object: اعتراض كردن

Reveal: آشكار كردن

Relieve: تسلي دادن، از بين بردن

Ruler: خط كش

Rural: روستايي

Sail: سفر دريايي، بادبان

Sale: فروش، حراج

Sew: دوختن

Sow: بذر

Scared: هراسان

Sacred: مقدس

Scarce: کمیاب، نادر

Shriek : فریاد کشیدن

Shrink : (آب رفتن لباس یا پارچه) کوچک شدن

staff: کارکنان

stuff: چیز، کالا

Supply: فراهم کردن

Apply: درخواست کردن

Imply: اشاره کردن، دلالت کردن

Reply: پاسخ دادن

Comply: اطاعت کردن

Suppose: گمان کردن

Oppose: مخالفت کردن

Depose: خلع کردن

Impose: تحمیل کردن

Dispose: خلاص شدن

Expose: نمایش دادن_ در معرض قرار دادن

Compose: نوشتن، سرودن

Tough: سخت، محکم

Thought: اندیشه، فکر

Though: اگرچه

Wager: شرطبندی کننده، وظیفه

Wage: کارمزد

منبع:

<https://tarjomer.com/blog/similar-words/>